

## حقوق بشر در اسلام و اعلامیه جهانی حقوق بشر

حقوق بشر که به زبان فرانسه *droits l'homme* و به انگلیسی *Human Rights* و به

عربی حقوق الانسان نامیده شده است طبق نظریه مکاتب آزادیخواه عبارت است از

حقوقی که لازمه طبیعت انسان است، حقوقی که پیش از پیدایی دولت وجود داشته و

مافوق آن است و بدین جهت دولت ها باید آنها محترم بشمارند.

به تعبیر روشن تر، در مکاتب آرمان گرانظر بر این سات که پاره ای حقوق از لحاظ

کرامت و شرافت انسانی، بنیادی و برای اینکه انسان بتواند رسالت خود را انجام دهد

ضروری هستند. این حقوق که حقوق بشر نامیده شده اند خارج از حوزه اقتدار قانونگذار

بشری می باشند و قانونگذار نمی تواند احدی را از آن محروم کند. وجود چنین حقوق و

امتیازاتی مورد انکار مکاتب مادی واقع شده است. مکتب مادیت تاریخی بر آن است که

حقوق بشر همواره دستخوش تحول و تکامل است و بالنتیجه قابل تعریف نیست.

بررسی تاریخی، جامعه شناسی و دینی نشان می دهد که اعتقاد به وجود پاره ای حقوق

فطری و ضروری برای بشر که قانونگذار بشری نباید آن را نادیده بگیرد از دیرباز وجود

داشته است. در اسلام و مسیحیت اعتقاد به این حقوق که ناشی از اراده الهی و لازمه

کرامت انسانی است وجود دارد. مکتب حقوق فطری در قرن هفدهم تحرك تازه ای به

این فکر داد و همین فکر در عصر انقلاب کبیر فرانسه در اعلامیه حقوق بشر و شهروند

۱۷۸۹ منعکس گردید . این اعلامیه همانند انقلاب کبیر فرانسه متأثر از فلسفه فرد گرائی بود که تاکید بر شخصیت و ارزش فرد دارد و فرد را محور اندیشه ها و قانونگذاریها به شمار می آورد . برعکس فلسفه جامعه گرائی در طول قرنهای ۱۹ و ۲۰ بر حقوق جامعه تاکید می نماید . لیکن نفی حقوق افراد به نامه حقوق جامعه یا نژاد موجب تجاوزات بزرگ و خشونت های ناروا و اعمال وحشیانه نسبت به افراد در برخی از کشورهای خود کامه می گردد و در نتیجه مساله حقوق بشر در قرن بیستم از نو مورد توجه خاص واقع می شود و بالاخره به تهیه و تصویب اعلامیه جهانی حقوق بشر در سال ۱۹۴۸ به وسیله مجمع عمومی سازمان ملل متحد منتهی می گردد .

در واقع ، همانطور که برخی از مولفان حقوق بشر گفته اند ، به علت اعمال وحشیانه پاره ای از کشورها در نیمه اول قرن بیستم که با بهره گیری از کلیه وسائل علمی و فنی به شکنجه و نابودی انسانها برخاسته بودند وجدان بشریت بیدار شده با صدای بلند تدوین یک اعلامیه بین المللی حقوق بشر را مطالبه می کرد همچنین در دوره های دیگر ملتهایی که بر ضد طاغوت ها و رژیم های خود کامه شورش کرده بودند خواهان تضمین حقوق خود از طریق مقررات یا منشورهای ملی یا بین المللی بودند . اعلان رسمی حقوق بشر همواره ادعانامه های رسمی علیه رژیمهای خود کامه گذشته و وعده تضمین حقوق مزبور در برابر تجاوزات احتمالی آینده بوده است .

اعلامیه های جهانی حقوق بشر مبتکر حقوق بشر نبوده بلکه ادیان الهی به ویژه اسلام نخستین اعلامیه های حقوق بشر را در برداشته و فلاسفه و دانشمندان نیز به گونه ای از حقوق بشر دفاع کرده اند و قبل از اعلامیه جهانی حقوق بشر این حقوق در برخی از اعلامیه ها و مقررات داخلی کشورها مطرح شده است .

به دیگر سخن ، حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر ترکیبی است از حقوق و آزادیهای بشری که قبل از تاسیس سازمان ملل متحد وارد قوانین اساسی و دیگر قوانین کشورهای مختلف جهان گردیده بود . همچنین تاریخ تمدن بشر شاهد کوشش

پیامبران ، فلاسفه و متفکران و انسان دوستان مشرق و مغرب زمین در اعتلای شان و کرامت اسنان و دفاع از حقوق و آزادیهای اساسی اوست . معهذاز قرن هجدهم به بعد با اعلامیه های مختلف حقوق بشر که در امریکا و اروپا به تصویب رسید و با ذکر و تضمین حقوق و آزادیهای اساسی در قوانین اساسی کشورها توجه جهانیان پیش از پیش به این حقوق معطوف شد و بویژه بعد از جنگ جهانی دوم نهضتی در این زمینه پدید آمد که در

اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقها و قراردادهای بین المللی متبلور گشت . بحث از کلیه اسناد بین المللی مربوط به حقوق بشر از حوصله این گفتار خارج است لذا به بحثی مختصر از اعلامیه جهانی حقوق بشر که مبین تفاهم مشترک اکثر ملل جهان در زمینه حقوق بنیادی و غیر قابل نقض اعضای جامعه بشری است و مقایسه آن با حقوق اسلام که از پیشگامان دفاع از حقوق بشر بوده بسنده می کنیم

اعلامیه جهانی حقوق بشر مشتمل بر یک مقدمه و ۳۰ ماده است : مقدمه اعلامیه مبین اندیشه های زیربنایی است که الهام بخش نویسندگان اعلامیه در تدوین مواد بعدی بوده است مانند وحدت خانواده بشری ، کرامت و ارزش شخص انسان ، حقوق بنیادی ( قانونی و غیر قابل انتقال ) مرد و زن ، پیامدهای اسف بار تجاوز به حقوق بشر ، بالاخره رابطه بین احترام و رعایت این حقوق در نظام داخلی و برقراری صلح بین ملتها .

در ماده ۱ اعلامیه سه اصل کلی که زیربنای حقوق بشر می باشد مطرح شده که عبارت است از آزادی ، برابر و برادری . ماده ۲ اعلامیه نیز بر اصل عدم تبعیض تاکید دارد :

هر کس می تواند از حقوق و آزادیهای مندرج در اعلامیه بدون تفاوت از لحاظ نژاد ، جنس ، زبان ، مذهب ، چنانکه منشور ملل متحد آرزو می کند ، برخوردار گردد ، همچنین بدون تفاوت از لحاظ رنگ ، عقیده سیاسی یا هر عقیده دیگر ، همچنین ملیت ، وضع اجتماعی ، ثروت ، تولد یا هر موقعیت و نیز وضع سیاسی ، حقوقی یا بین المللی کشور یا سرزمینی که شخص به آن تعلق دارد .

بقیه مواد اعلامیه به چهار دسته قابل تقسیم است .

- دسته اول ( مواد ۳ تا ۱۱ ) حقوق و آزادیهای شخصی : که در اعلامیه های قبلی و قوانین اساسی بیشتر کشورها مندرج است مانند حق حیات ( ماده ۳ ) که نه تنها شامل حمایت از فرد در برابر هر گونه تجاوز به زندگی و تمامیت جسمی اوست بلکه حمایت از انسان در

برابر بینوائی و خطراتی که جسم و جان او را تهدید می کند را نیز در بر می گیرد حق آزادی که نه تنها آزادی جسمی و ایمنی در برابر بازداشت ها و تبعیدهای غیرقانونی و منع بردگی و خرید و فروش انسانها را در بر می گیرد, بلکه آزادی حقوقی یعنی شناخت شخصیت حقوقی انسان و تضمین حق دفاع در برابر دادگاهها, حق مراجعه به دادگاه در قبال خودسری ها و سوء استفاده ها و قانون شکنی ها و عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری را نیز شامل می شود. کرامت انسانی شکنجه, اعمال وحشیانه و غیرانسانی نسبت به افراد را نفی می کند. همه در مقابل قانون برابرند و حق دارند بدون هیچگونه تبعیض از حمایت مساوی قانون برخوردار گردند.

- دسته دوم (مواد ۱۲ تا ۱۷) مربوط به حقوق بنیادی فرد در رابطه با خانواده, سرزمین و اشیاء جهان خارج است. مرد و زن به طور مساوی حق دارند با اراده آزاد خود ازدواج کنند, خانواده تشکیل دهند, اقامتگاهی داشته باشند و از یک زندگی خصوصی که دور از مزاحمت دیگران باشد متمتع گردند. خانواده عنصر طبیعی و بنیادی جامعه است و حق دارد از حمایت جامعه برخوردار گردد. هر انسانی شایسته آن است که تابعیتی داشته باشد, آزادانه در محلی مسکن گزیند, کشور خود را ترک کند, به جایی دیگر پناهنده شود. انسان حق دارد به طور فردی یا جمعی سلطه خود را بر اشیاء جهان خارج اعمال کند و از هیچکس نمی توان بدون مجوز قانونی سلب مالکیت کرد.

- دسته سوم شامل آزادی های عمومی و حقوق سیاسی بنیادی است ( مواد ۱۸ تا ۲۱ ).  
در این مواد آزادی اندیشه , عقیده , مذهب و بیان و نیز آزادی تشکیل اجتماعات و همچنین حق هر کس به مشارکت در اداره امور عمومی کشور خود از طریق شرکت در انتخابات و حق اشتغال به مشاغل عمومی اعلام شده است .

- دسته چهارم که اهمیت آن کمتر از دسته های پیشین نیست نسبتاً جدید است و در اعلامیه های پیشین سابقه نداشته است ( مواد ۲۲ تا ۲۷ ). این دسته مربوط به حقوق اقتصادی , اجتماعی و فرهنگی است . ماده ۲۲ اعلام می کند که هر کس حق دارد از حقوق اقتصادی , اجتماعی و فرهنگی که برای کرامت و گسترش آزاد شخصیت او ضروری است برخوردار گردد . لیکن همان ماده تصریح می نماید که برخورداری از این حقوق در پرتو کوشش ملی و همکاری بین المللی و بر طبق سازمان و منابع هر کشور خواهد بود . مواد ۲۳ تا ۲۷ به پاره ای از این حقوق اشارت دارد : حق کار , حق انتخاب آزاد کار , آزادیهای سندیکائی , حق برخورداری از تامین اجتماعی , دفاع از سلامت , حقوق مادران و کودکان , حق تفریحات , حق تعلیم و تربیت , حق شرکت در زندگی فرهنگی و پیشرفت علمی , حق حمایت از ابداعات علمی , ادبی و هنری .

بر فراز این چهار دسته از حقوق , نویسندگان اعلامیه در مواد ۲۸ تا ۳۰ اصولی را ذکر کرده اند که ارتباط بین فرد و جامعه را نشان می دهد . این مواد ضرورت وجود یک نظام اجتماعی و بین المللی را که حقوق و آزادیهای فردی بتواند در آن اثر کامل خود را به بار

آورد اعلام کرده اند . همچنین مواد مزبور تکالیف فرد را در برابر جامعه یادآور شده و

حدود حقوق و آزادیهای فردی را که انسان نمی تواند از آن فراتر رود مشخص نموده اند :

انسان باید به حقوق و آزادیهای دیگران احترام بگذارد و نمی تواند در یک جامعه

دمکراتیک بر خلاف اخلاق و نظم عمومی و مصلحت جامعه رفتار کند ، همچنین نباید

هدفها و اصول سازمان ملل را زیر پا گذارد .

بدین سان اعلامیه جهانی به بیان حقوق و آزادیهای فردی بسنده نمی کند بلکه به

محدودیتهای آن حقوق و آزادیها و تکالیف فرد در قبال هموعان خویش نیز اشاره می

نماید.

اینک که محتوای اعلامیه جهانی حقوق بشر روشن شد بجاست که مقایسه ای کوتاه بین

حقوق بشر در اسلام و آنچه در اعلامیه جهانی آمده است انجام گیرد . البته بحث تفصیلی

در این باب از حوصله این گفتار بیرون است . در جلسات تخصصی سمینار موضوعات

حقوق بشر مورد بحث و تجزیه و تحلیل واقع خواهد شد . لذا در اینجا فقط به نکاتی چند

در باره کرامت انسانی ، آزادی و برابری که سه موضوع اساسی در حقوق بشر به شمار می

آیند از دیدگاه اسلام اشاره می کنیم .

**الف - کرامت انسانی**

در مقدمه اعلامیه جهانی چنانکه گفتیم به رکامت انسانی اشارت رفته است ، گمان نمی رود در هیچ دین و مکتبی به اندازه اسلام بر کرامت انسان تاکید شده باشد . در نظر اسلام انسان دارای مقام و ارزش والائی است و خدا سروری موجودات زمین و آسمان را برای او فراهم ساخته است . روح خدا در آدم دمیده شده و او شایسته تکریم و تعظیم گردیده و حتی فرشتگان مامور شده اند که بر او سجده کنند . انسان در نظر اسلام دارای مقام خلیفه است . . . . . در این زمینه آیات و روایات فراوان است . بویژه آیه ۷۰ از سوره اسراء کرامت انسانی را با وضوح هر چه تمامتر اعلام می دارد : " ولقد کرمنابنی آدم و حملناهم فی البرو البحر ورزقناهم من الطیبات و فضلناهم علی کثیر ممن خلقنا تفضیلا . "

قابل ذکر است که از نظر اسلام ، همانطور که از پاره ای آیات از جمله آیه ۲۹ از سوره بقره ، بر می آید همه انسانها صرفنظر از دین و مذهب و اعتقادات و اعمال و رفتار آنها دارای کرامت هستند ، هر چند که انسان با تقوی دارای فضیلت و کرامتی بیشتر است . به دیگر سخن ، هر انسان دارای کرامت ذاتی است . اما گروهی از انسانها علاوه بر کرامت ذاتی دارای کرامت ارزشی یا اکتسابی نیز هستند که با تقوی به دست می آید .

( ان الله اکرمکم عندالله اتقاکم ) . در اسلام این کرامت بویژه مورد تاکید واقع شده در حالی که در اعلامیه جهانی حقوق بشر قوانین موضوعه کشورها به این کرامت توجه



چندانی نشده است . هر چند که محدودیت آزادیها به موجب قانون چه بسا مبتنی بر ارتکاب اعمال ناشایسته مجرمانه است که از کرامت ذاتی انسان می کاهد .

## ب - آزادی

در اینجا نخست از حقوق و آزادیهای شخصی که در موارد ۳ تا ۱۱ اعلامیه جهانی حقوق بشر ذکر شده و سپس از آزادیهای عمومی و حقوق سیاسی که در مواد ۱۸ تا ۲۱ اعلامیه آمده است سخن می گوئیم .

### ۱ - حقوق و آزادیهای شخصی

حقوق و آزادیهای شخصی که در مواد ۳ تا ۱۱ اعلامیه جهانی ، حقوق بشر ذکر شده در اسلام مورد تاکید قرار گرفته است . در حقوق اسلام هر کس حق زندگی ، آزادی و امنیت شخصی دارد ( اصل ۲۲ قانون اساسی جمهوری اسلامی ) . از نظر اسلام همه انسانها آزاد آفریده شده اند و حق دارند آزاد زندگی کنند ۱ . اسلام با برده داری و برده فروشی موافق نیست و گامهای بزرگی در راه آزادی آنان برداشته است . اگر اسلام بردگی را یکباره لغو نکرد بدان جهت بود که در هنگام ظهور اسلام برده داری یکی از ارکان عمده زندگی اقتصادی و اجتماعی جهان آن روز به شماره می آمد و اسلام نمی توانست یک باره آنرا لغو کند . معهذا در کتاب و سنت هیچ نصی که دستور برده داری بدهد وجود ندارد بلکه برعکس نصوص بسیاری موجود است که به آزاد کردن بردگان دستور می

دهد . ۲ . اسلام در موارد بسیاری آزاد کردن بردگان را مقرر داشته است که در کتب فقهی ذکر شده اند . اسلام علل بردگی را که در قدیم متعدد بوده محدود کرد . بردگی به علت فقر یا عجز از پرداخت دین یا ارتکاب برخی از جرائم که در میان اقوام و ملل قدیم رواج داشت ، در حقوق اسلام وجود ندارد ، فقط بردگی به علت اسارت جنگی در صدر اسلام وجود داشته که آن هم یک عمل متقابل بوده است ، یعنی اقوام و ملل دیگر نیز هرگاه در جنگ با مسلمانان پیروز می شدند آنان را به بردگی می گرفتند . حتی در این زمینه نیز اسلام گامهای موثری برای آزادی بردگان برداشته است ، به گونه ای که نتیجه دستورها و سفارشهای اسلام لغو تدریجی بردگی بوده است . بنابراین می توان گفت لغو بردگی در عصر جدید با اصول و روح اسلام کاملاً سازگار است .

اسلام با شکنجه و آزار انسان و هتک حیثیت او مخالف است . در اسلام زندگی هر شخص مصون از تعرض است و تجاوز به حیات یا تمامیت جسمی بشر جرم است و مجازات دارد ( اصول ۳۸ و ۳۹ قانون اساسی جمهوری اسلامی ) . در احترام به جهان و حق حیات تفاوتی بین مسلم و غیرمسلم نیست . قتل نفس جز در مواردی که قانون مقرر داشته از نظر اسلام جرم و گناهی بزرگ محسوب می شود و حتی در قرآن کشتن یک نفر به منزله قتل همه مردم به شماره آمده است ۱ . زیرا قتل نفس جرمی است که پی آمد آن متوجه همه انسانیت است .

در اسلام هر کس حق دارد در برابر اعمالی که حقوق او را مورد تجاوز قرار می دهد به محاکم صالحه مراجعه کند و دادخواهی حق مسلم هر فرد است و هر کس می تواند به منظور دادخواهی به دادگاه صالح رجوع کند ( اصل ۳۴ قانون اساسی ج ۱ ). در حقوق

اسلامی هر یک از اصحاب دعوی حق دارند برای احقاق حق خود از طریق قضائی و وکیل بگیرند ( اصل ۳۵ قانون اساسی ).

در اسلام اصل برائت شناخته شده است . هیچکس را نمی توان گناهکار شناخت مگر اینکه جرم او در دادگاه صالح به اثبات رسیده باشد ( اصل ۲۷ قانون اساسی جمهوری

اسلامی ). اصل عطفه ماسبق نشدن قوانین نیز در اسلام وجود دارد و علمای اسلام گاهی آن را تحت عنوان قبح عقب بلایان مطرح کرده اند و در قانون جمهوری اسلامی اصل ۱۶۹ به آن اختصاص یافته است .

## ۲- آزادیهای عمومی و حقوق سیاسی

آزادیهای عمومی نیز که لازم کرامت انسانی است در اسلام به رسمیت شناخته شده است .

آزادی اندیشه ، عقیده و بیان و آزادی تشکیل اجتماعات و حق مشارکت در اداره عمومی

کشور از طریق شرکت در انتخابات و حق اشتغال به مشاغل عمومی براساس حقوق اسلام

در قانون اساسی جمهوری اسلامی تصریح و تضمین گردیده است . ( اصول ۲۳ به بعد

قانون اساسی ) .

اسلام به اندیشه و تفکر اهمیت فوق العاده می دهد. حدود ۳۰۰ آیه در قرآن هست که مردم را به اندیشه و تفکر و تعقل دعوت می کند. اصول دین باید با اندیشه و استدلال پذیرفته شود نه به صورت تقلیدی و کورکورانه. در مورد آزادی دین و مذهب باید

یادآور شد که از نظر اسلام زندگی انسان منحصر به زندگی مادی نیست، بلکه انسان باید با سیر به سوی خدا و کمال مطلق خود را برای زندگی جاوید اخروی آماده کند. از اینرو حمایت معنوی و اخلاقی بشر و سیر به سوی کمال نفسانی از نظر اسلام دارای نهایت اهمیت است. اسلام مردم را به سوی خدا که کمال مطلق است هدایت می کند و شرک و بت پرستی و ماده پرستی و انحراف از ادیان الهی را مجاز نمی داند. البته این بدان معنی

نیست که اسلام انسانها را برای عقیده باطل مجازات کند یا عقیده خود را بر کسی تحمیل نماید. لاکراه فی الدین فتبیین الرشد من الغی (آیه ۲۵۶ از سوره بقره) ۱. اعتقاد باطل تا زمانی که صرفاً "جنبه شخصی و خصوصی دارد و به صورت اقدام علیه اسلام و جامعه اسلامی جلوه گر نشده از نظر اسلام قابل مجازات نیست. (اصل ۲۳ ق. ۱). تحمیل

عقیده از دیدگاه اسلام نه عملی و نه مجاز است. به علاوه اسلام اقلیت های دینی مسیحی کلیمی و زردشتی را به رسمیت می شناسد یعنی به پیروان این ادیان الهی اجازه می دهد که با حفظ دین خود و با استفاده از کلیه حقوق انسانی در کنار مسلمانان زندگی کنند)

اصل سیزدهم ق. ۱.

بطور کلی اسلام برای غیر مسلمانان ، حتی آنانکه اهل کتاب نباشند ، تا زمانی که برضد اسلام قیام و توطئه نکنند ، آزادی و احترام قائل است . حتی به حکومت اسلامی دستور می دهد که با آنان به نیکی و قسط رفتار کند . اصل چهاردهم قانون اساسی جمهوری

اسلامی می گوید : " به حکم آیه شریفه لاینها کم الله عن الذین لم یقاتلو کم فی الدین و لم یخرجو کم من دیار کم ان تبروهم و تفسطوا الیهم ان الله یحب المقسطین ۱ ، دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیر مسلمان با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت نمایند . این اصل در حق کسانی اعتبار دارد که برضد اسلام و جمهوری اسلامی ایران توطئه و اقدام نکنند . "

امیرالمومنین ، علی (ع) در توصیه خود به مالک اشتر درباره رعایت حقوق و آزادیهای مردم اعم از مسلمان و کافر می فرماید :

ولا تكون سبعا " ضاریا " تغتتم اکلهم فانهم صنفان اما اخ لك فی الدین و اما نظیر لك فی الخلق ( بر افراد تحت حکومت خود همچون حیوان درنده مباش که خوردن آنان را غنیمت شماری زیرا مردم دو دسته اند : یا برادر دینی تواند و یا مانند تو انسانند ) .

در مورد آزادی بیان باید گفت که اسلام با این گونه آزادی تا حدی که به حقوق دیگران و منافع جامعه اسلامی لطمه نزنند موافق است . اصل بیست و سوم قانون اساسی می گوید :

"نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند و مگر آنکه مخل به مبانی اسلام یا حقوق عمومی باشند".

سیره پیامبر اسلام و خلفاء راشدین احترام به آزادی عقیده و بیان و انتقاد پذیری بوده است حضرت علی (ع) در دوران خلافت خود مردم را دعوت می کرد که حرف حق خود را بگویند و مپندارند که او هرگز اشتباه نمی کند ۱. اسلام با قبول اصل امر به معروف و نهی از منکر آزادی - بیان را در مسیر مصالح جامعه و جلوگیری از فساد و تباهی قرار می دهد . اصل ۸ قانون اساسی جمهوری اسلامی در این خصوص می گوید : " امر به معروف و نهی

از منکر وظیفه ای است همگانی و متقابل بر عهده مردم نسبت به یکدیگر ، دولت نسبت به مردم و مردم نسبت به دولت . شرایط و حدود و کیفیت آن را قانون معین می کند . و المومنون و المومنات بعضهم اولیاء بعض یا مرون بالمعروف و ینهون عن المنکر . " ۲

باید یاد آور شده که آزادی در هیچ کشوری نامحدود نیست . حتی در اعلامیه حقوق بشر ، طبق ماده ۲۹ استفاده از آزادیها محدود به مراعات حقوق دیگران و مقتضیات صحیح اخلاقی و نظم عمومی و رفاه همگانی است که چارچوب و ضوابط آن را قانون تعیین می کند . در این اسلام نیز حدود آزادیها که به موجب قانون مشخص شده مبتنی بر همین ملاحظات است .

ج - برابری

اصل برابری که در اعلامیه جهانی حقوق بشر بر آن تاکید شده از اصول مسلم حقوق اسلام است. اسلام همه افراد بشر را برابر می شناسد و هیچگونه امتیازی براب افراد به علت نژاد، زبان، رنگ، ثروت، ملیت و تعلق به سرزمین خاص قائل نیست. اسلام با هرگونه امتیاز طبقاتی و قبیله ای مخالف است و در زمانی اصل برابری را اعلام کرد که جوامع انسانی از نا برابریها و امتیازات و تبعیضات ناروا به شدت رنج می بردند.

قرآن اصل مساوات را با عباراتی جالب و رسا که در دیگر کتب آسمانی بی سابقه است اعلام می دارد:

یا ایها الناس انا خلقناکم من ذکر و انثی و جعلناکم شعوبا و قبائل لتعارفوا. ان اکرمکم عندالله اتقاکم. (حجرات، ۱۳) ۱.

در آیه ۱ ازسوره نساء آمده است:

یا ایها الناس اتقوا ربکم الذی خلقکم من نفس واحدۀ و خلق منها زوجهد و بث منهما رجالا کثیرا و نسانا.

این گونه آیات که مخاطب آن انسان است و در آن به وحدت اصل و نسب انسان اشارت رفته است، نشان می دهد که از نظر اسلام، انسانیت مفهوم مشترکی است و همه ساکنان روی زمین و همه انسانهای گذشته و حال در آن برابرند.

در حقوق اسلام همه مردم از لحاظ حقوق و تکالیف در شرایط مساوی برابرند . حتی زن و مرد جز در موارد استثنائی از لحاظ حقوقی تفاوت ندارند . به دیگر سخن ، برابری زن و مرد از لحاظ حقوقی اصل و نابرابری استثناء است و این استثناء که در مواردی مانند ارث و قضا دیده می شود مبتنی بر دلائل منطقی و اجتماعی است و جز در موارد مصرحه استثنائی ، تساوی زن و مرد در حقوق اسلام انکار ناپذیر است .

اصل برابری در اسلام از اعتقاد به توحید سرچشمه می گیرد ، توحید به معنی یگانگی ذات خداوند ، یگانگی صفات و افعال او ، یگانگی اصول کلی دعوت انبیاء و وحدت عالم هستی ، وحدت جهان انسانیت و بالاخره وحدت اهداف خلقت ۱ . اسلام به مردم می آموزد که تنها مقامی که شایسته است انسان در برابر او به خاک بیفتد و سجده کند خداوند یکتاست و اشخاص دیگر شایسته این مقام نیستند و همه در برابر او ضعیف و کوچکنند .

از لحاظ تساوی در برابر قانون ، نمونه های گویا و جالبی در تاریخ اسلام دیده می شود که نشانگر اهمیت این قاعده در نظر اسلام است . در عصر پیامبر ( ص ) گروهی سعی می کردند امتیازات طبقاتی و قبیله ای را زنده و تساوی در برابر قانون را خدشه دار کنند . پیامبر در برابر آنان می ایستاد و آنان را از تبعیض بر حذر می داشت . برای جلوگیری از قطع انگشتان یک زن مخزومی که دزدی کرده بود اسامه بن زید را که فرزند شهید و نزد پیامبر مقرب بود به شفاعت فرستادند . پیامبر بر آشفت و فرمود : ” آیا در مورد حدی



از حدود الهی شفاعت می کنی...؟”

سپس خطاب به مردم فرمود :

” انما اهلك الذين من قبلکم انهم كانوا اذا سرق الشريف تركوه و اذا سرق الضعيف اقاموا

عليه الحدوايم !... لوان فاطمه بنت محمد سرت لقطعت يدها . ۲۴

در زمینه برابری در داد گاهها نیز نمونه های جالبی در تاریخ اسلام و گفته های پیشوایان

دین می توان یافت . در تاریخ می خوانیم که در زمان خلافت علی (ع) آن حضرت در

دعوی به داد گاه فراخوانده شد و قاضی داد گاه به او با کینه اش یعنی ابالحسن ( که نشانه

احترام است ) خطاب کرد : . حضرت ضمن اعتراض به او فرمود : این برخلاف عدالت

قضائی اسلام است که مرا به کینه ام خطاب کردی .

در قانون اساسی جمهوری اسلامی اصول ۱۹ و ۲۰ به مساوات اختصاص یافته است . اصل

۱۹ برخورداری مردم از حقوق مساوی وعدم امتیاز افراد به علت رنگ ، نژاد و مانند اینها

را اعلام می کند و اصل بیستم با عباراتی روشن و رسا مقرر می دارد :

” همه افراد ملت اعم از زن و مرد یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق

انسانی ، سیاسی ، اقتصادی ، اجتماعی و فرهنگی با رعایت موازین اسلام برخوردارند . ”

## منابع:

۱- R.Cuillen et J.Vincent ,Lexique de Tetmes juridiques,Paris

1972 .

Droits de Phomme .

\* متن سخنرانی افتتاحیه رئیس دانشکده حقوق و علوم سیاسی در جلسه عمومی سمینار بین

المللی حقوق بشر در اسلام و مسیحیت .

۱- Arnold J.Lien,Reflexions sur la nature et Pexercice des dtoits de lhomme,Autour de la nouvelld Declarrtion univxrselle des Droits de lhommc,UNESCO . p.25 .

۱- سوره بقره آیه ۲۹ .

۲ - به تحقیق ما فرزندان آدم را کرامت بخشیدیم و بر دریا و خشکی سوار کردیم و از

چیزهای پاکیزه روزیشان دادیم و بر بسیاری از مخلوقات خویش برتریشان نهادیم .

۱- امیرالمومنین علی علیه السلام در این باره گفته است : لاتکن عبد غیرک و تدجعلک

الله حرا ( بنده دیگری مباش زیرا که خداوند ترا آزاد آفریده است ) .

۲ - فلاقتخم العقبه : . مادریک مالقبه : ؟ فک رقبه : اواطعام فی یوم ذی مسغبه .

چنین انسانی به درون « عقبه » گام نهاده است. می دانی که « عقبه » چیست؟ آزاد کردن برده و طعام دادن در روزگار قحط و گرسنگی (سوره بلد - آیات ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ و ۱۴).

۱ - انه من قتل نفسا" بغير نفس اوفساد في الارض فکانما قتل الناس جمعيا" و من احياها فکانها احيا الناس جمعيا"، هر کس که نفسی را بی آنکه مرتکب قتل یا فساد شده باشد بکشد انگار همه مردم را کشته است و اگر کسی جانی را از مرگ رهایی دهد و به او زندگی بخشد، انگار همه مردم را زنده کرده است. (سوره مائده - آیه ۳۲).

۱ - در دین جایی برای اجبار نیست. راه هدایت و ضلالت برای همه معلوم و روشن گردیده است.

۱ - خداوند شما را مانع نمی شود درباره کسانی که با شما به پیکار برنخاسته و از سرزمینتان بیرون نکرده اند به داد و نیکی رفتار نمایید، چرا که خداوند دادگران را دوست می دارد.

۱ - ولاتکفوا عن مقاله: بحق او مشوره: بعدل فانی است بفرق ان اخطیء و لا امن ذلک من فعلی الا ان یکفی الله من نفسی ما هواملک به منی فانما انا وانتم عبید مملو کون لرب لارب غیره. از سخن گفتن به حق و رای زنی به عدل بازناستید. من والاتر از آن نیستم که مرتکب خطا شوم. در کار خویش از خطا ایمن نیستم مگر اینکه خداوند مرا در برابر نفس

و اموری که وی بدان چیره تر و تواناتر است کفایت و پشتیبانی کند . ما و شما تنها بندگانی هستیم در ملک و تصرف خداوندی که جز او خدایی نیست .

۲- زنان و مردان مومن دوستداران یکدیگرند همگان را به نیکی فرامی خوانند و از اعمال زشت و ناپسند باز می دارند . ( نهج البلاغه ، قسمت رسائل ، ش ۵۳ ) .

۱- ای مردم در آغاز ما شما را از مردی و زنی آفریدیم و آنگاه به صورت ملت و قبیله ها گردانیدیم تا با هم آشنایی یابید . گرامی ترین و بزرگوارترین شما در نزد خداوند پرهیزگارترین شما است .

۲- ای مردم ... پرهیزید از خدائی که شما را از یک نفر آفرید و جفت او را نیز از او آفرید و مردان و زنان بسیاری از او پراکند .

۱- رجوع شود به مقاله ایت ا.... مکارم شیرازی درباره مساوات که به مناسبت این سمینار تهیه فرموده اند .

۲- محمد الغزالی ، حقوق الانسان ، چاپ مصر ، ۱۳۸۳ هجری قمری ، ص ۴۱ ( نقل از بخاری ) .

ترجمه حدیث : همانا هلاک شدند کسانی که پیش از شما بودند . آنان هر گاه شریفی دزدی می کرد رهایش می کردند و هر گاه ضعیفی مرتکب سرقت می شد بر او حد جاری می کردند .

به خدا سوگند اگر فاطمه دختر محمد دزدی کند دست او را خواهیم برید .